



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۱۹/۰۱/۱۳

قمر بلدا کرزی

## یادگیری تیوری های یادگیری قسمت دوم

### ۱- تیوری ارتباطات عصبی

توراندیک روانشناس امریکایی یادگیری را نتیجه برقراری روابط عصبی میدانست، موجود زنده در مقابل محرک خارجی قرار میگیرد این محرک ممکن است بدست آوردن غذا یا خارج شدن از محوطه محصور باشد در هر صورت موجود زنده در مقابل محرک عکس العمل های مختلف از خود ظاهر میسازد ابراز این عکس العمل ها سبب برقراری ارتباطات عصبی میشود و بلاخره یادگیری صورت میگیرد.

به نظر توراندیک اجرای عکس العمل ها تابع قاعده آزمایش و خطاست، یعنی فعالیت هاینکه برای یاد گرفتن امری از موجود سر میزند با خطا و لغزش همراه است. اجرای عکس العمل های اشتباه آمیز شرط اساسی یادگیری است در جریان یادگیری بتدریج عکس العمل های اشتباه آمیز کم میشود و به جای آنها فعالیتهای که موجود را به هدف میرساند ظاهر میگردد.

طبق این تیوری یادگیری امری اتفاقی و خود بخودی است. تلاش های موجود کورکورانه است و فهم و بصیرت در اجرای آنها دخالت ندارد. چنانچه گفتیم تمرین و تکرار شرط اصلی یادگیری است. توراندیک یادگیری را تابع سه قانون میدانند.

#### الف - قانون آمادگی

به موجب این قانون فرد یادگیرنده وقتی میتواند امری را بیاموزد که از لحاظ بدنی، عقلانی و عاطفی آماده باشد یعنی رشد بدنی، عقلانی و عاطفی وی برای فرا گرفتن امر مورد نظر کافی باشد طفل وقتی میتواند مهارت های اساسی مثل خواندن، نوشتن و حساب کردن را بیاموزد که اعصاب و عضلات دست و انگشتان او باندازه کافی رشد کرده باشند و ذهن او آماده برای درک مفاهیم و معانی معین باشد.

#### ب - قانون تأثیر

هرگاه عکس العمل فرد با مکافات توأم شود و رضایت خاطر او را فراهم نماید بروز آن عکس العمل زود تر صورت میگیرد. وقتی در جریان آزمایش و خطا عکس العمل صحیح فرد با مکافات همراه گردد در موقع برخورد به محرک این عکس العمل زود تر از موجود سر میزند.

بعضی از روانشناسان بجای مکافات کلمه تقویت را بکار برده اند تقویت نیز عاملی است که ارتباط محرک و عکس العمل را استحکام می بخشد و سبب تکرار عکس العمل میشود. «تقویت» فاصله زمانی میان محرک و عکس العمل را کم میکند.

#### ج - قانون تکرار یا تمرین:

به موجب این قانون دوام و تکمیل یادگیری در اثر تکرار صورت میگیرد. معلمان مکاتب نیز به پیروی از توراندیک درین زمینه نمود او را متوجه این حقیقت ساخت که تکرار یا تمرین خود بخود اثری در تکمیل یادگیری ندارد مگر اینکه با تشویق و مکافات همراه باشد.

### ۲- تیوری انعکاس مشروط:

بموجب این تیوری اساس یادگیری بر انعکاس مشروط قرار دارد یک تعداد از علما چیز های دیگری را در یادگیری مؤثر میدانستند مثل مشابهت تضاد مجاورت را اساس یادگیری قرار میدهند چنانچه مؤلفان کتاب روانشناسی تربیتی نقل میکنند، ارسطو عقیده دارد مردم اموری را یاد میگیرند و بخاطر می سپارند که با هم مشابه باشند یا در زمان یا مکان واحد رخ دهند و یا متضاد باشند.

انعکاس مشروط بوسیله پاولف دانشمند روسی مطرح گردید. این دانشمند آزمایش های مختلفی روی سگ انجام داد و نتیجه گرفت که عکس العمل طبیعی یک امر در شرایط خاصی به امر مجاور آن منقل میشود سگی را با وضع معینی روی میز قرار داد، پاره گوشتی را به سگ نشان داد و زنگی را به صدا در آورد. مشاهده گوشت سبب ترشح بزاق یعنی لعاب دهن سگ شد. مجاورت گوشت با بلند شدن صدای زنگ نیز ترشح کرد.

درین جریان چند نکته را باید در نظر گرفت. اول اینکه گوشت محرک غیر مشروط است که طبیعتاً سبب تحریک بزاق میشود و این عکس العمل نیز غیر مشروط می باشد.

دوم اینکه صدای زنگ محرک بیطرف است که خود بخود سبب ترشح بزاق دهن سگ نمیشود سوم اینکه گوشت و صدای زنگ یعنی محرک غیر مشروط و محرک مشروط باید در وضع خاصی مجاور هم باشند تا عکس العمل محرک غیر مشروط به محرک مشروط منتقل گردد. در جریان انعکاس شرطی چند صورت را میتوان فرض کرد. اگر محرک غیر مشروط (گوشت) ابتدا ظاهر گردد و بعد محرک مشروط عرضه شود درینصورت انعکاس مشروط صورت نمیگیرد ولی اگر پیدایش محرکها بطور مکرر اتفاق افتد ممکن است انعکاس مشروط موقتاً ایجاد شود.

صورت دوم وقتی است که محرک مشروط و محرک غیر مشروط با هم ظاهر شوند درینصورت اگر مجاورت چند بار تکرار شود جریان انعکاس مشروط بوجود می آید، در صورت سوم محرک مشروط (صدای زنگ) ابتدا ظاهر میگردد و پس از آن محرک غیر مشروط پیدا میشود، درین صورت انعکاس شرطی تشکیل میشود. واتسون مؤسس مکتب رفتار و سلوک عقیده داشت مطالعه ارتباطات عصبی از لحاظ علمی امکان پذیر نیست و باید اعمال قابل مشاهده را مورد بررسی قرار داد. واتسون تحقیقات پاولف دانشمند روسی را مورد توجه قرار داد و معتقد شد که یادگیری نتیجه انعکاس مشروط است. با اینکه نظر واتسون با آنچه تورندایک در باره یادگیری میگوید فرق دارد معدلک هر دو یادگیری را امری اتوماتیک یا خود بخودی فرض میکنند و تکرار را شرط اساسی یادگیری میدانند.

آنچه مسلم است افراد انسانی مخصوصاً در دوره کودکی بسیاری از امور را از طریق انعکاس مشروط فرا میگیرند یادگیری معانی کلمات، بروز حالات عاطفی، امور تقلیدی، خرافات و بسیاری از عادات در اثر انعکاس شرطی صورت میگیرد ولی نباید تصور نمود که جریان یادگیری بطور کلی انعکاس شرطی است. بسیاری از چیزها را آدم میآموزد بدون اینکه انعکاس شرطی بوجود آید و چنانچه خواهیم دید یادگیری واقعی جریان ماشینی یا خود بخودی نیست فهم و بصیرت یادگیرنده و هدفها و تمایلات او نقش عمده ای در یادگیری بعهده دارند.

### تئوری مجازات و مکافات و تئوری لذت بخش بودن یا درد ناک بودن:-

غالباً گفته میشود که افراد اموری را یاد میگیرند که فرا گرفتن آنها با تشویق همراه باشد و از انجام اموری خود داری میکنند که اجرای آنها با سرزنش توأم گردد. طبق این نظریه مکافات اساس یادگیری را تشکیل میدهد. معلمان مکاتب و اولیاء اطفال غالباً آنچه را که میخواهند به اطفال تعلیم دهند از مکافات یا تشویق استفاده میکنند. بنظر این عده اگر جریان یادگیری با مکافات و تشویق همراه نباشد طفل چیزی را فرا نمیگیرد. ظاهراً این تئوری منطقی بنظر میرسد و چنانچه گفته شد در مکاتب و خانواده ها معمول است. یعنی تلاش و کوشش فرد برای فرا گرفتن امری با مکافات همراه میشود و همین مجاورت سبب یادگیری میگردد.

علاوه بر اشکالاتی که در مورد تئوری انعکاس مشروط ذکر شد معایب دیگری نیز در اجرای تئوری مجازات و مکافات وجود دارد. مکافات و مجازات اثر مؤقتی دارد. وقتی مجازات یا مکافات در میان باشد یادگیری صورت میگیرد. محرک یادگیری امر خارجی است، یعنی جلب مکافات یا ترس از مجازات فرد را بیاد گرفتن امری وادار میکند و احتیاجات و تمایلات فرد در در جریان یادگیری تأثیر ندارد.

تجربه نشان میدهد که فرا گرفتن امور همیشه با مکافات و تشویق همراه نیست. بسیاری از چیزها را افراد بدون تشویق یاد میگیرند، در بعضی موارد ممکن است تشویق جریان یادگیری را تسریع کند.

تشویق و مجازات امر نسبی است و ازین لحاظ نمیتوان آنها را بعنوان میزانهای اساسی در یادگیری تلقی نمود. در بسیاری از مراحل زندگی فرد تحت تأثیر افکار، تمایلات، احتیاجات و اطلاعات خویشتن بفرآ گرفتن امری اقدام میکند نه تشویق محرک اوست و نه از مجازات میترسد یادگیری واقعی نه مبتنی بر تشویق است و نه لذت بخش بودن موقعیت یادگیری و یا دردناک بودن آن در تحقق یادگیری تأثیر دارد بنا برین هیچ یک ازین تئوریهای پایه و اساس علمی ندارد.

## تئوری گشتالت در یادگیری :-

کولر در آزمایش های که بعمل آورده متوجه شد که یادگیری بدون تمرین و تکرار نیز صورت میگیرد و ما امور را بطور کل در می یابیم و بعد به تحلیل آنها می پردازیم.

کل عبارت از مجموع اجزأ نیست بلکه شکل و نحوه ارتباط اجزأ با هم کل را بوجود می آورد. فرد وقتی امری را می آموزد که نسبت به آن بصیرت و فهم داشته باشد. بصیرت وقتی بوجود می آید که فرد ارتباط اجزأ امر مورد یادگیری را با هم و با کل آن امر ببینند یا ادراک نمایند. مطابق این تئوری یادگیری وقتی بطور کامل صورت میگیرد چند نکته را در یادگیری باید در نظر داشت. اول اینکه یادگیری باید با توجه هدف معینی باشد. دوم اینکه فرد یادگیرنده باید موقعیت یادگیری را بطور کل در نظر گیرد و برای رسیدن به هدف فعالیت های نظیر آنچه را که برای حل مسأله باید انجام دهد از خود ظاهر سازد.

## تئوری گشتالت مبنی بر چند قانون میباشد:

- ۱- قانون مربوط به طرح یا کل:- ذهن ما وقتی امری را فرا میگیرد که آنرا در یک طرح یا زمینه ای قرار دهد و بصورت کل سازمان یافته ای در آورد.
- ۲- قانون مشابهت ، امور مشابه زود تر در یک طرح و زمینه قرار میگیرند.
- ۳- قانون مجاورت، امور مجاور نیز معمولاً در یک طرح و سازمان قرار میگیرند.
- ۴- قانون جهت مشترک، اموری که در یک جهت و حرکت و تغییر آنها در جهت معین و نسبتاً دایمی باشد معمولاً بصورت یک طرح و سازمان ظاهر میشوند.
- ۵- قانون خاتمه، معمولاً در جریان یادگیری فرد میل دارد فعالیت های خود را با موفقیت بپایان رساند. خاتمه نیافتن یادگیری سبب نا راحتی فرد میشود و همین امر او را تحریک میکند تا کار خود را با موفقیت تمام کند روی همین اصل گفته میشود ذهن آدمی متمایل به تمام کردن و کامل نمودن فعالیت های خود در جریان یادگیری است.

باقیدار

## قسمت اول یادگیری